

## بررسی و تحلیل آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته زبان آلمانی

ایراندخت طلوعی هریس\*

حسین سرکارحسن خان\*\*

### چکیده

کنکور کارشناسی ارشد از سرنوشت‌سازترین آزمون‌هایی است که هر ساله در کشور به گزینش داوطلبان در مقطع تحصیلات تکمیلی می‌پردازد. در واقع، این آزمون باید معیار سنجشی برای گزینش داوطلبانی باشد که در صورت قبولی اقبال موفقیت بیش‌تری در رشته مربوط خواهند داشت. از این رو، آزمون باید با معیارهای استاندارد عدالت را تضمین کند و نقش سلیقه و اقبال را به حداقل برساند. در مقاله حاضر پس از تعریف و تبیین ویژگی‌های عینی‌بودگی، پایایی، روایی، و غیره در آزمون، به بررسی این ویژگی‌ها در سؤال‌های ترجمه آلمانی به فارسی کنکور کارشناسی ارشد ۱۳۹۰-۱۳۹۴ پرداخته شده است. بررسی این ویژگی‌ها نشان داد که سؤال‌های ترجمه به‌علت ماهیت سلیقه‌ای خود متناسب این آزمون نیستند و غالباً تاحد سنجش واژگان و درک مطلب تنزل می‌یابند. مهم‌تر آن‌که سؤال‌های ترجمه باید ابزار سنجش مهارت ترجمه باشند و نمی‌توانند در کنکور، که آزمون دانش زبانی است، کاربردی داشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** معیارهای استاندارد، ترجمه، کنکور، کارشناسی ارشد، آلمانی.

\* کارشناس ارشد مترجمی زبان آلمانی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، irandokht\_tuluie@yahoo.com

\*\* استادیار آموزش زبان آلمانی، دانشگاه تهران، hassankhan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

## ۱. مقدمه

کنکور سراسری یا آزمون ورودی دانشگاه‌ها از پرمقاصی‌ترین آزمون‌هایی است که هر ساله به‌منظور تحصیلات تکمیلی در کشور برگزار می‌شود. رشته زبان آلمانی در مقطع کارشناسی ارشد منحصراً در دو دانشگاه دولتی تهران و شهید بهشتی و در سه گرایش مترجمی، ادبیات، و آموزش ارائه می‌شود. بنابراین، طبیعی است که در قیاس با گرایش‌های زبان انگلیسی متقاضیان کم‌تری داشته باشد، اما این بدان معنا نیست که فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی این رشته خواهان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر نباشند. تحصیل در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه برای کشور هزینه‌بر و مستلزم تأمین نیازهای مربوط هم‌چون مکان تحصیل، امکانات، و تسهیلات برای دانشجویان و یا تأمین استادان ذی‌صلاح در رشته مربوط و غیره است. با توجه به این موضوع، تحصیل دانشجویان در این مقاطع به‌نوعی سرمایه‌گذاری ملی برای تأمین نیروی متخصص در رشته‌های گوناگون است؛ بنابراین، هدف از آزمون کارشناسی ارشد، برای مثال در زبان آلمانی، باید گزینش داوطلبانی باشد که در صورت قبولی اقبال موفقیت بیش‌تری در این رشته داشته باشند.

از سوی دیگر، برای داوطلبان آزمون ورودی دانشگاه‌ها سرنوشت‌ساز است؛ چراکه قبول‌شدن یا رد‌شدن در این آزمون مسیر زندگی و آینده شغلی آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به این موضوع، کنکور کارشناسی ارشد (آلمانی) اهمیت می‌یابد. بنابراین، آزمون باید به‌گونه‌ای طراحی و تصحیح شود تا فقط افرادی وارد این مقطع شوند که اقبال موفقیت بیش‌تری دارند. حال اگر دست‌یابی به این هدف آزمون را خواستاریم، باید دید که سؤال‌های کنکور کارشناسی ارشد تا چه حد در راستای چنین هدفی است. بنابراین، برای پاسخ به چنین پرسشی ابتدا باید بررسی کرد که آیا این سؤال‌ها ویژگی‌های سؤال خوب را در بر دارند یا نه. پژوهش حاضر به‌طور اخص به این پرسش می‌پردازد که سؤال‌های کنکور کارشناسی ارشد آلمانی تا چه حد معیارهای استاندارد را دارد.

این آزمون هر ساله حاوی ۱۲۰ سؤال است و هریک از فقره‌های آن، ترجمه، واژگان، درک مطلب، و نگارش به بررسی دقیق‌تر به‌طور جداگانه نیازمند است، از این‌رو موضوع پژوهش حاضر به بررسی سؤال‌های ترجمه آلمانی به فارسی محدود می‌شود.

در مقاله حاضر، ابتدا پس از توضیح مختصر درباره ارزیابی دانش زبانی و سؤال‌های چهارگزینه‌ای، به تاریخچه کنکور کارشناسی ارشد زبان آلمانی در ده سال اخیر پرداخته می‌شود و سپس ضمن شرح ماهیت سؤال‌های ترجمه، برای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی مقاله حاضر، سؤال‌های ترجمه آلمانی به فارسی یک‌به‌یک و با نگاه به معیارهای استاندارد

بررسی خواهند شد. برای نمونه نیز چندین سؤال تجزیه و تحلیل می‌شوند و درانتها آماری ارائه خواهد شد تا میزان هم‌خوانی سؤال‌ها با معیارهای استاندارد آشکار شود. انتظار می‌رود بررسی‌های انجام‌شده نشان‌دهنده نقاط ضعف در سؤال‌های آزمون کارشناسی ارشد زبان آلمانی و همچنین بیان‌گر این نکته باشد که این آزمون به‌منزله یگانه معیار گزینش در سال‌های اخیر تا چه حد در تشخیص صلاحیت داوطلبان موفق بوده است یا می‌تواند باشد.

## ۲. پیشینه تحقیق

در منابع فارسی در زمینه نقش آزمون در حوزه زبان کتابی با نام *آزمون در آموزش زبان* (Modern Language Testing) از ربکا ام. والت (Rebecca M. Valette) به ترجمه گیتی دیهیم در سال ۱۳۷۲ به آزمون و نقش آن در کلاس درس پرداخته و سپس با توضیح روش آزمون‌سازی و انواع آن، مانند آزمون شنیدن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن، روش‌های ارزیابی آن‌ها را نیز شرح داده است. در این کتاب از برخی از معیارهای استاندارد مانند «روایی و پایایی»، معادل‌های انتخابی مترجم به ترتیب برای مفاهیم «validity» و «reliability» نیز سخن رفته است. مقاله علمی- پژوهشی «مقایسه سؤال‌های چندگزینه‌ای و ترجمه‌ای از لحاظ پایایی و دشواری در آزمون دانش دستوری» نوشته حامد زندگی، شیوا کیوان‌پناه، و سیدمحمد علوی که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است، مؤید این نکته بود که هر دو نوع سؤال پایایی خوبی دارد و می‌توان سؤال ترجمه‌ای را نیز در کنار سؤال چندگزینه‌ای در آزمون دانش دستوری به کار برد. مقاله‌ای با عنوان «مقایسه میزان منصفانه بودن انواع آزمون‌های زبان انگلیسی در دوره دبیرستان» نوشته غلامرضا کیانی، بابک مهدوی، و رضا غفارثمر در سال ۱۳۹۲ در مجله *جستارهای زبانی* به چاپ رسیده است. در این مقاله، ویژگی انصاف (fairness) در آزمون زبان کنکور سراسری و آزمون‌های زبان هماهنگ و معلم‌ساخت بررسی شده و نتایج نشان داده است که آزمون زبان کنکور سراسری و آزمون‌های زبان هماهنگ در قیاس با دیگر آزمون‌های معلم‌ساخت در دوره دبیرستان منصفانه‌تر بوده‌اند.

مقاله دیگری با عنوان «تحلیل محتوای پرسش‌های اختصاصی گروه آزمایشی زبان انگلیسی آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌های کشور» نوشته سیدآیت‌الله رزمجو در سال ۱۳۸۵، که در مجله *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز* به چاپ رسیده، پس از بررسی محتوای آزمون اختصاصی انگلیسی به این نتیجه رسیده است که آزمون از روایی (validity) مناسبی برخوردار نیست و از «لحاظ آزمون‌سازی» نیز کاستی‌هایی دارد؛ اما مؤلف مقاله

مذکور به این نکته اشاره نکرده است که این آزمون از کدام «لحاظ آزمون‌سازی» کاستی دارد. مقاله‌ای با عنوان «نقش آزمون‌سازی در سنجش آموخته‌های زبان‌آموز» نوشته ابراهیم استارمی و الناز قدوسی شاهنشین در سال ۱۳۹۲ در مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی به چاپ رسیده است. مقاله یادشده، به ادعای نویسندگان آن، ویژگی هریک از آزمون‌های خاص مهارت‌های زبانی (شنیدن، صحبت کردن، خواندن، و نوشتن) را در چهارچوب روش «تحلیل آموزشی» بررسی و معرفی کرده است؛ اما ظاهراً مباحث آزمون‌سازی و روش‌های آموزشی در آن درهم آمیخته است.

هلموت فولمر در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی عملکرد و پیش‌رفت: خودارزیابی»<sup>۱</sup> (Vollmer 2003) پس از تعریف آزمون و انواع آن به تعریف مختصری از معیارهای استاندارد پرداخته و سپس با ذکر مراحل پیش‌رفت پژوهش‌های مربوط به آزمون و یافته‌های جدید در این خصوص، کاربرد آن را تجزیه و تحلیل کرده است. رودلف نیسن در مقاله «انواع ارزیابی عملکرد در کلاس»<sup>۲</sup> (Nissen 2003) انواع آزمون و سؤال‌های متناسب با سطوح ابتدایی و پیشرفته زبان‌آموزی را بررسی کرده است. گابریله کنیفکا نیز در مقاله‌ای با عنوان «آزمون و ارزیابی»<sup>۳</sup> (Kniffka 2003)، پس از تشریح انواع آزمون‌های زبان، به مبحث عینیت/ عینی‌بودگی (objectivity) در سؤال‌های باز و بسته پرداخته و راه‌کارهایی ارائه کرده است تا بتوان در ارزیابی ممتحنان و مصححان میزان عینی‌بودگی را افزایش داد.

### ۳. بحث و بررسی

**کنکور: آزمون دانش زبانی:** تمایزی که چامسکی میان دو مفهوم توانش (competence) و کنش (performance) قائل می‌شود، می‌توان به حوزه آموزش زبان و آزمون‌سازی نیز بسط داد و بر همین اساس، میان دو نوع آزمون توانش زبانی (competence test) و آزمون کنش زبانی (performace test) تفاوت قائل شد.

در آزمون ورودی کارشناسی ارشد آلمانی سؤال‌ها چهارگزینه‌ای طرح می‌شوند و شامل ارزیابی توانایی‌های ترجمه (آلمانی به فارسی و به‌عکس)، درک مطلب، واژگان، دستور، و نگارش‌اند. باتوجه‌به تعاریف آزمون توانش زبانی و آزمون کنش زبانی در گروتیان (Grotjahn 2000: 322-329) به‌طور خلاصه می‌توان گفت که آزمون توانش یا دانش زبانی مبتنی بر فرضیه‌های زیر است:

۱. از توانایی‌های آزمون‌دهنده می‌توان به رفتار زبانی او خارج از موقعیت آزمون پی برد؛

۲. این توانایی‌ها از مؤلفه‌های مختلف تشکیل شده‌اند که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. (برای مثال توانایی واژگانی و دستور زبان می‌توانند بر یکدیگر اثرگذار باشند)؛

۳. اگر بتوانیم آزمونی طراحی کنیم که از روایی بالا برخوردار باشد، می‌توانیم داوری خود درباره توانایی داوطلب را به رفتار زبانی وی خارج از موقعیت آزمون نیز تعمیم دهیم؛

۴. هرچه آزمون دانش زبانی جامع‌تر و گسترده‌تر باشد و به مقوله‌های متعدد در زمینه دانش زبانی بپردازد، داوری ما در قبال رفتار زبانی داوطلب در موقعیت‌های واقعی دقیق‌تر خواهد بود (برای مثال، سؤال‌های ترجمه از موضوعات مختلف با همین هدف شکل می‌گیرد) (ibid.: 328).

اما آزمون مهارت یا آزمون کنش زبانی براساس واکنش و عملکرد زبان‌آموزان در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده به پیش‌بینی عملکرد آتی آنان در موقعیت‌های واقعی می‌پردازد. برای مثال، در موقعیتی ساختگی از زبان‌آموز خواسته می‌شود در یک کافی‌شاپ برای خود قهوه سفارش دهد (ibid.: 322-328).

بنابر آنچه در تعریف آزمون‌های دانش زبانی و مهارت زبانی ذکر شد، آزمون کنکور مهارت‌های زبانی (شنیدن، صحبت کردن، خواندن، و نوشتن) را مدنظر قرار نمی‌دهد. هم‌چنین، بدیهی است که به دلایلی چون محدودیت تعداد سؤال‌ها و زمان آزمون به برخی توانایی‌ها سهم کم‌تری اختصاص یابد. بنابراین، این پیش‌داوری چندان دور از عدالت نیست که بگوییم کنکور ماهیتاً نمی‌تواند ارزیابی جامعی از تمامی توانایی‌ها به‌دست دهد، اما پیش‌بینی درباره اقبال موفقیت داوطلب در آینده براساس «آزمون دانش زبانی»، که کنکور نوع سخت‌گیرانه آن است، امکان‌پذیر به‌نظر می‌رسد.

آزمون‌های سراسری، که هر ساله برگزار می‌شود، صرفاً مقایسه دانش داوطلبان با یکدیگر را میسر می‌کنند نه مقایسه دانش امروزی آنان با دانش سابق خودشان. در واقع، داوطلبان درون مسابقه‌ای قرار می‌گیرند و کسی که بتواند نمره بالاتری کسب کند، وارد مقطع تحصیلی بالاتر می‌شود. حال ممکن است بالاترین نمره قبولی کسب‌شده در یک آزمون از حداقل حدنصاب تعیین‌شده نیز کم‌تر باشد؛ بنابراین، از آن‌جاکه میزان پیشرفت یک داوطلب نسبت به خودش اندازه‌گیری نمی‌شود، به‌ناچار داوطلبان در قالب مسابقه ارزیابی می‌شوند.

**سؤال‌های چهارگزینه‌ای:** سؤال‌های چهارگزینه‌ای در زمره سؤال‌های بسته‌اند و داوطلب باید پاسخ صحیح را از بین چهارگزینه انتخاب کند. گزینه‌های دیگر، که پاسخ‌های نادرست‌اند، اصطلاحاً گزینه‌های انحرافی نامیده می‌شوند. گزینه‌های انحرافی باید طوری

طراحی شوند که داوطلبی که پاسخ صحیح را نمی‌داند به اشتباه بیفتد (والت ۱۳۷۲: ۱۶-۱۷). به عبارت دیگر، سه گزینه انحرافی درعین حال که نادرست‌اند، باید معقول و موجه به نظر برسند؛ یعنی تشخیص گزینه اشتباه به تفکر داشته نیاز باشد و نادرست بودن آن کاملاً بدیهی نباشد. مزیت سؤال‌های بسته در قیاس با سؤال‌های باز این است که تصحیح و ارزیابی آن‌ها مستقل از نظر شخصی مصحح است و ارزیابی پاسخ‌ها با سرعت انجام می‌شود، درعوض طرح این‌گونه پرسش‌ها برای طراح سؤال زمان‌بر است (Albers and Bolton 1995:33).

**تاریخچه سؤال‌های کنکور ارشد زبان آلمانی:** پیش از آن‌که به جزئیات سؤال‌های کنکور زبان آلمانی بپردازیم، نگاهی به سابقه این رشته و آزمون مذکور می‌اندازیم. رشته زبان آلمانی در سال ۱۳۳۴ در دانشگاه تهران تأسیس شده و تا سال ۱۳۵۸ در مقطع کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرفته است. این روند تا سال ۱۳۶۰ ادامه داشته و سپس تا سال ۱۳۸۰ متوقف شده است. در مهرماه این سال، پذیرش دوباره از سرگرفته شده است (بنگرید به سایت دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران). هم‌اکنون این دانشگاه در کنار مقاطع کارشناسی و دکتری، گرایش‌های مترجمی و ادبیات را در مقطع کارشناسی ارشد ارائه می‌کند. رشته زبان آلمانی در سال تحصیلی ۱۳۴۲-۱۳۴۱ در دانشگاه شهید بهشتی نیز راه‌اندازی شده و در حال حاضر، در کنار کارشناسی زبان و ادبیات آلمانی در مقطع کارشناسی ارشد، در گرایش آموزش زبان آلمانی دانشجو می‌پذیرد. در دانشگاه آزاد اسلامی نیز گرایش مترجمی زبان آلمانی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۶۴ تأسیس شد و در پی آن گرایش آموزش زبان آلمانی در مقطع کارشناسی ارشد راه‌اندازی شد. واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد نیز در سال ۱۳۸۴ رشته زبان و ادبیات آلمانی را در مقطع کارشناسی ارشد راه‌اندازی کرد (بنگرید به سایت آموزش زبان آلمانی). در دهه ۱۳۷۰ دانشگاه تربیت مدرس یک‌تنه این وظیفه را به‌عهده داشت.

جدول ۱. سهم سؤالات ترجمه در آزمون کنکور کارشناسی ارشد بین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۴

سال آزمون	تعداد سؤال‌های آزمون	تعداد سؤال‌های ترجمه (آلمانی به فارسی)	تعداد سؤال‌های ترجمه (فارسی به آلمانی)	سهم ترجمه
۱۳۸۴	۱۰۰	۴۰	۴۰	۸۰٪
۱۳۸۵	۱۰۰	۲۸	۴۰	۶۸٪
۱۳۸۵-۱۳۹۴	۱۲۰	۲۰	۲۰	۳۳/۳۳٪

سهم سؤال‌های ترجمه از سال ۱۳۸۵ تغییری نشان نداده است. آشکار است که ترجمه در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴ نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در پذیرش داوطلبان داشته است. در این آزمون، هر پاسخ صحیح ۳ امتیاز مثبت دارد و به منظور کاهش نقش اقبال، هر پاسخ غلط نیز ۱ نمره منفی دارد. به عبارت دیگر، هر ۳ پاسخ منفی یک پاسخ مثبت را حذف می‌کند (بنگرید به سایت شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور).

**معیارهای استاندارد:** آزمون خوب برای آن‌که بتواند متناسب با هدف تعیین‌شده برای آن عمل کند، یعنی تعیین‌کننده داوطلبانی باشد که اقبال موفقیت بیش‌تری دارند، حداقل باید سه ویژگی مهم داشته باشد که در ادامه به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت.

عینی‌بودگی (objectivity): سؤال خوب باید مستقل از نظر شخصی ممتحن، مصحح، یا ارزیاب باشد. بنابراین، می‌توان از سه نوع عینی‌بودگی در اجرا، عینی‌بودگی در نمره‌دهی، و عینی‌بودگی در تفسیر یا ارزیابی نام برد (Schelten 1997: 124). در مقاله حاضر، منظور عینی‌بودگی در ارزیابی است. برای مثال، ترجمه تشریحی یا انشا عموماً عینی‌بودگی کم‌تری دارند و ممکن است دو نفر متن یکسانی را خوب یا بد ارزیابی کنند.

پایایی (reliability): شلتن (ibid.: 102) پایایی را چنین تعریف می‌کند: یک تست به‌منظور ابزار سنجش فقط زمانی پایایی دارد که بتوان به نتیجه آن در زمینه توانایی یا ضعف داوطلب مطمئن بود و نظر قطعی داد. به عبارتی ساده‌تر، وقتی که ادعا می‌شود سؤالی پایایی دارد، یعنی انتخاب گزینه غلط بی‌تردید نشان‌دهنده ناآگاهی داوطلب از موضوع سؤال است و انتخاب جواب درست بی‌تردید به معنای آگاهی داوطلب از پاسخ صحیح است.

روایی (validity): این اصطلاح بدین معناست که تست باید لزوماً و درعمل آن چیزی را بسنجد که ادعای سنجشش را دارد (Vollmer 2003: 366). برای روشن‌شدن مطلب به این مثال نگاه کنید:

راهنمایی: در سؤال‌های ۹۱ تا ۱۰۰ گزینه مناسب را انتخاب کنید.

92. Ein Gleichnis ist eine Bildhafte Rhetorische Figur zur Veranschaulichung eines Sachverhalts Mittels.....

- |                      |                   |
|----------------------|-------------------|
| 1) eines Symbols     | 2) einer Metapher |
| 3) eines Vergleiches | 4) Sprachspiels   |

پاسخ‌دادن به این سؤال مستلزم دانش ادبی است، اما طبق جدولی که در صفحه اول دفترچه سؤال‌ها، عنوان مواد امتحانی، تعداد، و شماره سؤال‌ها را طبقه‌بندی کرده، سؤال‌های

۹۱ تا ۱۰۰ جزو دسته ترجمه متون فارسی به آلمانی است. پیداست که این سؤال ادبیات است؛ یعنی سؤال ادعای آزمون مهارتی را دارد و در عمل چیز دیگری را می‌آزماید که این خود به معنای نبود روایی است.

انصاف (fairness): علاوه بر سه ویژگی مذکور، کنیفکا (Kniffka 2003: 366)، شومان و ایشپان‌هاکه (Schumann and Spannhake 2008: 184)، و دُل (Döll 2012: 71) انصاف را معیاری فرعی در آزمون‌ها معرفی کرده‌اند. والت نیز به موردی اشاره می‌کند که به نظر می‌آید بتوان آن را در هر دو حوزه انصاف و شفافیت (transparency) جای داد: «مطالب موردسؤال باید به نحوی بسیار طبیعی و سراسر به شاگرد عرضه شود. از جملات تمهیدی که حتی خود اهل زبان را هم به اشتباه می‌اندازد باید دوری جست» (والت ۱۳۷۲: ۱۲).

اما برداشت نویسندگان مقاله از انصاف فراتر از این است: گاهی سؤال‌ها از منابعی طرح می‌شود که داوطلب قرار است در صورت قبولی در مقطع بالاتر بخواند. چنین طراحی سؤال فرسنگ‌ها با انصاف فاصله دارد. هم‌چنین طراحی سؤال به گونه‌ای که مردان یا زنان نسبت به یکدیگر اقبال بیشتری در یافتن پاسخ صحیح داشته باشند به دور از انصاف است. برای نمونه، به سؤال‌های ترجمه در زمینه فوتبال اشاره می‌شود. در این زمینه انتظار می‌رود مردان معلومات بیشتری داشته باشند و به تبع آن اقبال موفقیت بیشتری پیدا کنند. نکته دیگر سطح دشواری سؤال‌هاست که باید متناسب با آموخته‌های داوطلبان باشد و انتظار طراح سؤال از توانایی‌ها و معلومات آنان معقول باشد. زمان نیز باید در آزمون منصفانه باشد. گرچه تکنیک‌هایی برای مدیریت زمان را می‌توان به کار گرفت، اما از انصاف به دور است که همه سؤال‌ها، چه آن‌هایی که سخت و زمان‌برند و چه آن‌هایی که کوتاه و آسان‌اند، امتیاز برابر داشته باشند. شاید به انصاف نزدیک‌تر باشد که سؤال‌ها براساس سختی و آسانی یا حتی از نظر موضوعی، با توجه به گرایش انتخابی داوطلب، ضرایب متفاوتی داشته باشند. به عبارت دیگر، سؤال‌های ترجمه برای داوطلبی که قصد ادامه تحصیل در گرایش مترجمی دارد، قاعدتاً باید ضریب بالاتری داشته باشند تا برای کسی که خواهان ادامه تحصیل در گرایش ادبیات است.

کارآمدی (practicability): پذیرفتن این ویژگی، به مثابه یک ویژگی مثبت، برای آزمون بدان معناست که هر سؤال واحد در آزمون، علاوه بر روایی در معنای اخص خود، در راستای هدف اصلی آزمون، که همانا سنجش دانش داوطلب و انتخاب بهترین‌ها برای پذیرش در دوره تحصیلی مورد نظر است، کارا باشد. به عبارت دیگر، کارآمدی آزمون با روایی ارتباط مستقیم دارد.



**بررسی عملی تست‌ها:** تست‌های ترجمه مورد پژوهش در مقاله حاضر از حیطه‌های موضوعی گوناگون برگرفته شده‌اند؛ از جمله: حقوق، اقتصاد، سیاست، ضرب‌المثل و اصطلاحات، ادبیات و شعر، متون مطبوعاتی، ورزش، و به‌ندرت زبان‌شناسی، پزشکی، و کامپیوتر. البته علت طرح سؤال‌های ترجمه از موضوعات متفاوت را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که طراح سؤال در نظر داشته با این کار اقبال یک‌سانی به داوطلبان داده باشد. اگر از این دید به موضوع نگاه کنیم، این کار تاحدی منصفانه است. البته می‌توان ادعا کرد که حتی اگر این موضوعات تخصصی به‌نظر برسند، انتظار می‌رود که داوطلبان عموماً معلومات کافی درباره‌ی متون ارائه‌شده داشته باشند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که علت طرح سؤال از موضوعات متفاوت، آزمودن توانایی‌ها و معلومات داوطلب در حوزه‌های گوناگون است.

حال به بررسی عملی برخی تست‌های ترجمه می‌پردازیم:

90:4. Über einen Kaiserschnitt muss Aufgeklärt Werden, wenn eine Patientin den Wunsch dazu Vorträgt.

۱. درمورد جراحی باید توضیح داد، البته اگر بیمار درخواستی ارائه کرده باشد.
۲. در صورت ارائه درخواست بیمار، باید درباره‌ی سزارین، شفاف‌سازی صورت پذیرد.
۳. درمورد جراحی سنتی باید روشن‌گری صورت پذیرد، مگر این‌که خود بیمار درخواستی ارائه کرده باشد.
۴. اگر بیمار درخواستی ارائه کند، باید درمورد زایمان زودرس توضیحات لازم داده شود.

همان‌طور که از این تست پیداست، کلید یافتن پاسخ صحیح دانستن معنای واژه‌های kaiserschnitt و aufgeklärt werden است. یعنی این تست ترجمه، نه فرایند ترجمه، بلکه واژگان را مورد سؤال قرار داده است. از این‌رو ویژگی روایی ندارد؛ یعنی با هدف خود به‌هیچ‌وجه تناسب ندارد. علاوه‌براین، از آن‌جایی که می‌توان فقط با دانستن واژه Kaiserschnitt به‌راحتی پاسخ درست را یافت، پس پایایی ندارد؛ یعنی ممکن است دانشجویی معنای جمله را نداند یا در ترجمه آن در عمل دربماند، اما از طریق دانستن معنای یک واژه واحد گزینه صحیح را انتخاب کند. درباره‌ی موضوع این سؤال نیز باید ذکر کرد، گرچه این واژه در حوزه پزشکی قرار می‌گیرد، جزو واژگان بسیار تخصصی پزشکی محسوب نمی‌شود و از این لحاظ دارای ویژگی انصاف است. از آن‌جایی که به‌طور قطع پاسخ درست گزینه ۲ است و نظر مصحح در این انتخاب نقشی ندارد، این سؤال معیار عینی‌بودگی را نیز دارد.

90:9 Die Generative Grammatik hat noch nicht ihren gerechten Platz in der Sprachwissenschaft gefunden.

۱. دستور زایشی هنوز به جایگاه شایسته خود در زبان‌شناسی دست نیافته است.
۲. دستور نوپنیدای هنوز به جایگاه عادلانه خود در زبان‌شناسی دست نیافته است.
۳. دستور ژن‌زبانی هنوز به جایگاه عادلانه خود در زبان‌شناسی دست نیافته است.
۴. دستور ساخت‌گرایی هنوز به جایگاه شایسته خود در زبان‌شناسی دست نیافته است.

در این مثال نیز، یافتن پاسخ صحیح مستلزم دانستن معادل فارسی این رویکرد یا مدل گرامری است. بنابراین، این سؤال واژگان را سنجش کرده است و به منظور سؤال ترجمه دارای روایی نیست. بنابراین، این سؤال از این دید که با کمک آن می‌توان داوطلبی را پذیرفت که اقبال موفقیت بیشتری در تحصیل در گرایش مربوط به زبان خارجی یا زبان‌شناسی داشته باشد، کاربرد ندارد.

همان‌طور که پیش‌تر یاد شد، جواب‌دادن به این سؤال فقط به دانستن یک واژه نیاز دارد. بنابراین، از پاسخ درست نمی‌توان نتیجه گرفت که داوطلب جواب صحیح را می‌دانسته است و در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت می‌توان گفت که داوطلب معنای واژه یا اصطلاحی را می‌دانسته است. از این رو، ویژگی پایایی در این سؤال مورد تردید است. درباره انصاف می‌توان گفت که با توجه به ارائه مطالبی در این حد (در حد واژگانی چون دستور زایشی) در چهارچوب دروس مقطع کارشناسی، انتظار می‌رود که داوطلب با این مفاهیم آشنا باشد. نوع دیگری از سؤالات طرح می‌شوند که پاسخ درست ندارند.

94:2 In Abwesenheit vom Olympiasieger und Weltrekordhalter Bolt hat dessen Landsmann Cole die Goldmedaille über 100 Meter bei der Weltmeisterschaft Gewonnen.

۱. کول در غیاب هم‌وطن خود، بولت، فاتح المپیک و دارنده رکورد جهان، به مدال طلای دوی‌های بالای صدمتر در مسابقات قهرمانی جهان رسید.
۲. در غیاب هم‌وطن خود، بولت، قهرمان المپیک و رکورددار جهان، کول برنده مدال طلای دوی بالای صدمتر در مسابقات قهرمانی جهان شد.
۳. کول در غیاب هم‌وطن خود، بولت، قهرمان المپیک و رکورددار جهان، برنده مدال طلای دوی صدمتر در مسابقات قهرمانی جهان شد.
۴. در غیاب بولت، فاتح المپیک و دارنده رکورد جهانی، هم‌وطن وی کول برنده مدال طلای دوی مافوق صدمتر در مسابقات قهرمانی جهان شد.

über 100 Meter به معنای دوی صدمتر است. بنابراین، گزینه‌هایی که این عبارت را به مفهوم «بالای صدمتر» ترجمه کرده‌اند، نادرست‌اند. فقط گزینه ۳ معنای این واژه را به درستی انتقال داده است. در نتیجه، گزینه صحیح را می‌توان حتی بدون آن‌که کل گزینه‌ها را خواند، به راحتی تشخیص داد، اما این آخر کار نیست. در متن آلمانی اشاره شده است که کول و بولت هم وطن‌اند و این نکته فقط در گزینه ۴ آمده است. در حالی که این گزینه اخیر به دلیل متقن دیگری غلط است. پس این سؤال جواب درست ندارد. از این رو، این سؤال پایایی ندارد و عینی نیست. سؤال بعدی هم نه روایی ندارد نه پایایی، کارآمدی، و انصاف.

94:3 Ein Gericht in L.A. wies die Forderung des auf Lebenszeit Gesperrten Klubbesitzers Los Angeles Klippers nach einer Einstweiligen Verfügung gegen den Kauf der Klippers ab.

۱. دادگاهی در لس‌آنجلس درخواست مالک مادام‌العمر و محروم باشگاه لس‌آنجلس کلیپرز مبنی بر صدور حکم موقت علیه خرید این باشگاه را رد کرد.
۲. دادگاهی در لس‌آنجلس در حکم خود شکایت مالک مادام‌العمر و محروم باشگاه لس‌آنجلس کلیپرز را نسبت به صدور حکم قطعی در قبال خرید این باشگاه رد کرد.
۳. دادگاهی در لس‌آنجلس مطالبه صاحب مادام‌العمر و محروم باشگاه لس‌آنجلس کلیپرز را در ارتباط با در اختیار گرفتن یک طرفه آن در قبال خرید متفی دانست.
۴. بر اساس حکم دادگاهی در لس‌آنجلس درخواست صاحب مادام‌العمر و محروم باشگاه لس‌آنجلس کلیپرز مبنی بر صدور یک حکم قطعی برای خرید این باشگاه مورد موافقت قرار نگرفت.

نخست این که صورت مسئله متن دست‌کاری شده و برگرفته از خبری است در حیطه ورزش بسکتبال. این خبر در صفحه خبری «Sport1» به صورت زیر آمده است:

Der von der NBA auf Lebenszeit gesperrte Klubbesitzer Donald Sterling hat den Streit um die Los Angeles Clippers Verloren.

Ein Gericht in Los Angeles wies Sterlings Forderung nach einer Einstweiligen Verfügung gegen den Verkauf der Clippers ab.

حال اگر متن خبر اصلی را با متن سؤال بسنجیم به نتایج جالبی می‌رسیم:

۱. از آن‌جا که واژه کلیدی متن، یعنی «NBA»، به عمد حذف شده است، معنی واژه‌های «Klub»، «Clippers»، و «gesperrt» نیز دچار ابهام می‌شود. بنابراین داوطلب بی‌خبر از موضوع به هیچ‌روی نمی‌تواند به مفهوم داستان پی ببرد. علاوه بر این، داشتن دانش پیشین در زمینه

اخبار جنجالی ورزش بسکتبال نباید معیار سنجش برای پذیرش یا رد داوطلبان رشته زبان آلمانی باشد. این همان نکته است که بر آن نام بی‌انصافی می‌نهمیم؛

۲. هرکس که در حد ابتدایی با زبان آلمانی آشنا باشد، حتی اگر از معنای دقیق «Klub» آگاه نباشد، می‌داند که عبارت auf Lebenszeit Gesperrter Klubbesitzer به معنای مالک جایی است که به صورت مادام‌العمر محروم شده است. در واقع، «مادام‌العمر» نه به «مالک» بلکه به «محروم» برمی‌گردد. حال اگر تک‌تک گزینه‌ها بررسی شود، مشخص می‌شود این عبارت در همه آن‌ها نادرست ترجمه شده است. بنابراین، هیچ‌یک از پاسخ‌ها درست نیست و به تبع آن سؤال عینی نیست؛

۳. حال اگر فرض کنیم که داوطلبی صرفاً به دلیل وجود عبارت «حکم موقت» گزینه ۱ را انتخاب کند، باز نمی‌توان مطمئن بود که از نادرستی جواب آگاه بوده است؛ بنابراین، این سؤال ویژگی پایایی ندارد؛

۴. در متن سؤال واژه‌ای کلیدی تغییر کرده است: «فروش» به «خرید» تبدیل شده است. دگرگون کردن متن به دست طراح سؤال علاوه بر این که منطقی در آن دیده نمی‌شود، به کلی معنا و مفهوم خبر را از بین برده است. پرسش این جاست که چرا صاحب یک باشگاه که به دلیلی از فعالیت ورزشی تا آخر عمر محروم شده است و دادگاه حکم به فروش باشگاه او داده است، باید تقاضای حکم موقت علیه خرید باشگاه داده باشد. بنابراین، داوطلب آگاه به دانش خود شک می‌کند و داوطلب ناآگاه فقط بر اساس توجه به یک عبارت (حکم موقت) به جواب درست می‌رسد؛

۵. گزینه‌های پیش‌نهادی ۲ و ۳ به کلی بی‌معنی‌اند و از این نظر، داوطلب ناآگاه آن‌ها را به سادگی حذف می‌کند. نمونه‌ای از سؤال استاندارد:

91:2 Aus dem Oben Gesagten Könnte man den Schluss ziehen, dass die Energie eines Kerns Genau der Summe der Energien der Besetzten Bahnen Entspricht.

۱. از آن‌چه در بالا ذکر شد، می‌توان این نتیجه را گرفت که انرژی یک هسته دقیقاً برابر با مجموع انرژی‌های مدارهای اشغال شده است.

۲. از گفته‌های فوق‌الذکر این نتیجه منتج می‌شود که انرژی‌های حاصله از ریل‌های اشغال شده با انرژی موجود در هسته هم‌خوانی دارد.

۳. از گفته‌های بالا نتیجه می‌گیریم که انرژی موجود در هسته با همه انرژی‌های اشغال شده توسط مدارها دقیقاً برابری یک‌به‌یک دارد.

۴. نتیجه گفته‌های بالا می‌تواند مؤید این نکته باشد که مجموع انرژی‌های اشغال‌شده از ریل‌ها با انرژی هسته‌ای دقیقاً برابر است.

این سؤال از این نظر ویژگی انصاف را دارد که موضوعش خیلی تخصصی نیست و هرکس که دوره دبیرستان را گذرانده یا با درس علوم آشنایی اندکی داشته باشد، به راحتی موضوع سؤال را درک می‌کند. به علاوه، این سؤال گزینه‌های انحرافی دارد. برای مثال، واژه Bahn هم به معنای ریل و هم به معنای مدار است. بنابراین، گزینه‌های ۲ و ۴ درحالی‌که غلط‌اند (ریل به جای مدار) نیز قابل قبول‌اند، اما واژه ریل با توجه به موضوع متن معادل صحیحی نیست. گزینه ۳ نیز انتخاب درست نیست، زیرا به‌رغم استفاده از معادل مناسب برای واژه مذکور (یعنی «مدار») با توجه به محتوای سؤال گزینه غلط است. از دیگر ویژگی‌های مثبت این سؤال می‌توان به چند نکته اشاره کرد. نخست این‌که تقریباً طول تمامی گزینه‌ها برابر است و دوم این‌که بخش اول ترجمه در تمامی گزینه‌ها به درستی ترجمه شده است. به علاوه، با دانستن فقط یک واژه، برای مثال معنای واژه Bahnen، نمی‌توان گزینه صحیح را تشخیص داد. بنابراین، سؤال هم روایی دارد هم عینی‌بودگی و به تبع آن کارآمد است.

جدول ۲. درصد معیارهای استاندارد در سؤال‌های ترجمه کنکور کارشناسی ارشد گروه رشته‌های زبان و ادبیات آلمانی، آموزش زبان آلمانی، و مترجمی زبان آلمانی بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴

کارآمدی (practicability)	انصاف (fairness)	روایی (validity)	پایایی (reliability)	عینی‌بودگی (objectivity)	سال
٪۳۵	٪۹۰	٪۴۵	٪۶۰	٪۸۰	۱۳۹۰
٪۵۰	٪۸۵	٪۵۵	٪۶۵	٪۹۰	۱۳۹۱
٪۵۵	٪۷۰	٪۸۵	٪۵۵	٪۶۵	۱۳۹۲
٪۴۵	٪۷۰	٪۸۰	٪۵۵	٪۷۰	۱۳۹۳
٪۳۵	٪۶۵	٪۴۰	٪۵۰	٪۸۵	۱۳۹۴
٪۴۴	٪۷۶	٪۶۱	٪۵۷	٪۷۸	کل

#### ۴. نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، هر سؤالی در آزمون باید در راستای هدف آزمون باشد. برای مثال، آزمون ورودی برای رشته‌های مرتبط با زبان خارجی بتواند به منزله آزمون

دانش زبانی عمل کند. بدین منظور چنین آزمونی باید ویژگی‌ها و معیارهای استاندارد داشته باشد تا نقش اقبال و اعمال سلیقه طراحان به حداقل برسد. در مقاله حاضر ویژگی‌های عینی‌بودگی، پایایی، و روایی به‌منزله سه معیار اصلی تعریف و تبیین شدند و ویژگی‌های انصاف، کارآمدی، و شفافیت، که شاید اهمیت آن‌ها به‌اندازه سه ویژگی اصلی نیست، معیارهای فرعی در نظر گرفته می‌شوند. بررسی سؤال‌های ترجمه آلمانی به فارسی کنکور بین سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ از منظر این ویژگی‌ها آشکارا نشان داد که می‌توان بر طرح چنین سؤال‌هایی به‌جا و به‌حق خرده گرفت. مهم‌ترین ایراد وارد بر طرح و انتخاب سؤال‌های ترجمه این است که اصولاً هدف از طرح این‌گونه سؤال‌ها در آزمون مشخص نیست. معلوم نیست که سؤال‌های ترجمه قرار است معیار سنجش کدام دانش زبانی داوطلب باشد.

اصولاً ترجمه ماهیتی سلیقه‌ای دارد؛ بدین معنا که ترجمه متن مشخصی با سلیقه افراد یا هم‌خوان است یا نیست و افراد صرف‌نظر از این‌که مترجم فهم درستی از متن موردنظر داشته یا نه، براساس سلیقه شخصی درباره ترجمه قضاوت می‌کنند. در واقع، ترجمه فاقد اولین شرط و مهم‌ترین ویژگی یک سؤال استاندارد یعنی عینی‌بودگی است. البته بررسی عینی‌بودگی در سؤال‌های ترجمه کنکور کارشناسی ارشد زبان آلمانی بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ نشان داد که به‌طور میانگین ۷۸٪ از سؤال‌ها ویژگی مذکور را دارند. علت این تضاد ظاهری در این است که تمام تأکید در این نوع تست‌ها بر درستی درک متن است و به‌هیچ‌وجه فرایند ترجمه و معیارهای آن یا برگردان آن به فارسی مدنظر قرار نمی‌گیرند. اما در کار ترجمه در شکل عملی آن بار اصلی ترجمه پس از گام اول، که فهم متن زبان مبدأ است، بازگردان آن به فارسی است. همین نکته اخیر ترجمه خوب و بد را از هم متمایز می‌کند. در واقع، سؤال‌های ترجمه کنکور فقط مرحله اول فرایند ترجمه، یعنی همان فهم متن، را مدنظر قرار می‌دهند و هدف این‌گونه سؤال‌ها تا حد درک مطلب و گاه حتی سنجش واژگان تنزل می‌یابد. آنچه این سؤال‌ها از داوطلب می‌خواهند، خواندن متن سؤال و درک آن و سپس انتخاب گزینه‌ای است که بازگوکننده متن مبدأ باشد و گاه برای یافتن پاسخ صحیح دانستن معنای فقط یک واژه کافی است. غالباً در این نوع سؤال‌ها یک گزینه درست و سه گزینه دیگر کاملاً غلط است. از این رو، میزان بالای عینی‌بودگی در این نوع سؤال‌ها ارتباطی با ماهیت ترجمه ندارد، بلکه از آن‌رو که ابزار سنجش واژگان و درک مطلب‌اند، عینی‌اند. اما میزان ۵۷٪ پایایی، ۶۱٪ روایی، و ۴۴٪ کارآمدی نشان‌دهنده این نکته است که تقریباً نیمی از سؤال‌های کنکور به‌دلیل همین سنجش یک واژه یا درک مطلب این

ویژگی‌های استاندارد را ندارند. البته میزان ۷۶٪ انصاف نشان می‌دهد که این سؤال‌ها تقریباً منصفانه‌اند. گرچه به دلیل متغیر بودن این درصدها در سال‌های گوناگون نمی‌توان از سیر رو به افزایش یا کاهش این ویژگی‌ها سخن گفت، اما تجزیه و تحلیل درصدهای سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که با بالا رفتن میزان عینی‌بودگی، که علتش در بالا ذکر شد، درصد چهار ویژگی دیگر کاهش یافته است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، هدف ترجمه باید سنجش مهارت ترجمه باشد و مشکل از جایی آغاز می‌شود که فقره‌ای که مخصوص سنجش مهارت است در آزمونی مطرح می‌شود که ماهیت و مبنای آن سنجش دانش زبانی است. سؤال‌های ترجمه حتی در صورتی که به سنجش واژگان و درک مطلب محدود نباشند، ماهیتاً نمی‌توانند مناسب نوع آزمون باشند و از نظر نویسندگان مقاله اشتباهات این سؤال‌ها تا حد زیادی به طراحان سؤال بازمی‌گردد، زیرا علاوه بر این که سلیقه شخصی در ماهیت ترجمه دخیل است، خاص سنجش مهارت ترجمه است، نه دانش زبانی.

## پی‌نوشت‌ها

1. Leistungsmessung, Lernerfolgskontrolle, Selbstbeurteilung
2. Formen der Leistungsmessung in der unterrichtlichen Praxis
3. Prüfen und Bewerten

## کتاب‌نامه

استارمی، ا. و ا. قدوسی شاهنشین (۱۳۹۲)، «نقش آزمون‌سازی در سنجش آموخته‌های زبان آموز»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، س ۳، ش ۱.

رزمجو، س. ا. (۱۳۸۵)، «تحلیل محتوای پرسش‌های اختصاصی گروه آزمایشی زبان انگلیسی آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌های کشور»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، س ۲۳، ش ۱.

زند، ح. ش. کیوان‌پناه، و س. م. علوی (۱۳۹۲)، «مقایسه سؤال‌های چندگزینه‌ای و ترجمه‌ای از لحاظ پایایی و دشواری در آزمون دانش دستوری»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، س ۳، ش ۱.

شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور (۲۰۱۵/۱۲/۲۶)، محاسبه نمره خام (به درصد)، نمره تراز و نمره کل در آزمون کارشناسی ارشد:

<<http://www.sanjeshserv.ir/hamgam/content.aspx?id=>

کیانی، غ.، ب. مهدوی، و ر. غفارثمر (۱۳۹۲)، «مقایسه میزان منصفانه‌بودن انواع آزمون‌های زبان انگلیسی در دوره دبیرستان»، *جستارهای زبانی*، ش ۱۳.

والث، آر. ام. (۱۳۷۲)، *آزمون در آموزش زبان*، ترجمه گ. دیهیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

یوسف‌زاده، م. (۲۰۱۵/۱۲/۲۵)، رشته و گرایش‌های زبان و ادبیات آلمانی در دانشگاه‌های ایران: <<http://www.yussefzadeh.ir>>.

- Albers, H. G. and S. Bolton (1995), *Testen und Prüfen in der Grundstufe. Einstufungstests und Sprachstandsprüfungen*, Fernstudieneinheit 7, Hrsg. Von Ehlers, S. et al. Berlin: Langenscheidt.
- Döll, M. (2012), "Beobachtung der Aneignung des Deutschen bei Mehrsprachigen Kindern und Jugendlichen", in: *Modellierung und empirische Prüfung eines Sprach Diagnostischen Beobachtungsverfahrens*, Bd. 8, Münster: Waxmann Verlag GmbH.
- Grotjahn, R. (2000), "Testtheorie: Grundzüge und Anwendungen in der Praxis", in: *Sprache-Kultur-Politik* (Materialien Deutsch als Fremdsprache, Bd. 53), A. Wolff and H. Tanzer (Hrsg.), Regensburg: Fachverband Deutsch als Fremdsprache.
- Kniffka, G. (2003), "Prüfen und Bewerten", in: *Handbuch Fremdsprachenunterricht*, K. R. Bausch, H. Christ, and H. J. Krumm (Hrsgb), Tübingen und Basel: A. Francke Verlag.
- Nissen, R. (2003), "Formen der Leistungsmessung in der Unterrichtlichen Praxis", in: *Handbuch Fremdsprachenunterricht*, K. R. Bausch, H. Christ, and H. J. Krumm (Hrsgb), Tübingen und Basel: A. Francke Verlag.
- Schelten, A. (1997), "Testbeurteilung und Testerstellung: Grundlagen der Teststatistik und Testtheorie für Pädagogen und Ausbilder in der Praxis", in: *Zweite durchgesehene und Erweiterte Auflage*, Stuttgart: Franz Steiner Verlag.
- Sophie-Schumann, F. and B. Spannhake (2008), "Testen und Prüfen im DaZ-Unterricht", in: *Fortbildung für Kursleitende Deutsch als Zweitsprache*, Bd. 3, Susan Kaufmann et al. (Hrsgb) Ismaning, Deutschland: Hueber Verlag.
- Sport 1. (28.12.2015), *Gericht Weist Sterlings Klage ab*: <[http://www.sport1.de/us-sport/nba/2014/07/newspage\\_927478](http://www.sport1.de/us-sport/nba/2014/07/newspage_927478)>.
- Vollmer H. J. (2003), "Leistungsmessung, Lernerfolgskontrolle, Selbstbeurteilung", in: *Handbuch Fremdsprachenunterricht*, K. R. Bausch, H. Christ, and H. J. Krumm (Hrsgb), Tübingen und Basel: A. Francke Verlag.